

آینه



گشایش قطره چکانی برای تشکیل حلقه وابستگی

عباس حاجی‌نجاری؛واقعیت این است که آنچه در روند مذاکرات هسته‌ای بر تعطیلی یا تعلیق یا کاهش سطح فعالیت‌ها توافق شد، محصول کار این دولت نبود، بلکه محصول تلاش دانشمندان هسته‌ای و دولت‌مردان در دو دهه گذشته بوده است که پس از به‌تمرسیدن و در شرایطی که به یک مؤلفه قدرت نظام و اثبات کارآمدی نظام اسلامی تبدیل شده بود، مبتنی بر یک‌سری اهداف و انتظارات و تاکتیک نرمش قهرمانانه نظام وارد عرصه مذاکرات شد و طی آن البته به‌عده‌ی‌های آمریکایی‌ها اثبات و مدافعان اولیه کد خدا به منتقدانش تبدیل شدند، اما به‌طور قطع نباید نوع مواضع و تعاملات به آنجا بینجامد که دشمن آن را به ابزاری برای تضعیف اقتدار و عزت ایرانی تبدیل کرده و مبتنی بر عملکرد مسئولان اجرایی و وعده‌های آنها، اقتدار و عزت کشور را مخدوش و حلقه‌های پوسیده و ازهم‌گسسته وابستگی را که به اهتمام و مجاهدت صدها هزار شهید و مجروح حاصل شده است، از طریق گشایش‌های قطره‌چکانی برجام به هم متصل کند و به تعبیری از پنجره برجام به داخل بازگردد.

آفتاب

مبارک‌است‌اما...

● منصورمظفری؛دولت حداقل سه وزیر را تغییر داده و حتی گفته شده یک خانه‌تکانی نیز در سطح معاونت‌های دو‌وزارتخانه اقتصادی انجام خواهد داد لیکن چرا بخش فشل دولت همچنان برقرار و بدون تغییر خواهد بود؟
فی‌الواقع مشخص نیست تیم اطلاع‌رسانی این دولت از کجا سایپورت و تأیید می‌شود که این‌چنین علیرغم تمام ضعف‌ها برقرار است.
بالعجب، نکته خوشبشمهٔ ماجرا این است که در همین تغییر و تحولات کابینه نیز نبود و نبود این تیم تفاوتی نداشت. یعنی سه وزیر استعفا دادند و رفتند و سرپرست‌ها مشخص شدند حتی گمانه‌زنی‌ها در مورد جایگزین‌ها مطرح گردید اما باز هم تیم اطلاع‌رسانی دولت در کما به سر می‌برد!
بارها گفته شده و باز هم می‌گوییم: انصافاً استراتژی تیم اطلاع‌رسانی دولت بر چه مبنایی تدوین شده است و سیستم آن در برابر رویدادهای مختلف چیست؟
فی‌المثل همین الان در مورد جابه‌جایی در دولت این تیم چه اقدام مؤثری داشت و سمت و سوی اخبار چگونه تدوین شد؟
این سؤال روشن، پاسخ روشنی را می‌طلبد. آنچه ما دیدیم فقط و فقط سکوت بود.
نکته دیگری که سال‌هاست بر تخت بیمارستان تکیه زده و در کما یغیرقابل بازگشت به‌سر می‌برد، حسن روحانی همان‌طور که دل ورزشی‌ها را شاد کرد و هنرمندان و معلم‌ها را امیدوارتر کرد باید گوشه‌چشمی نیز به حامیان دلسوز خود داشته باشد.
دولت کارنامه‌ای دارد که شایسته و بایسته انعکاس است. حیف است که گروه اطلاع‌رسانی دولت توانایی این مهم را ندارد.

کیم یون

فصلی تازه در انتخابات

● محمد صرفی؛ در اولین انتخابات مجلس شورای اسلامی فردی به نام «الف-ق» در یکی از حوزه‌های انتخاباتی کاندید و تأیید صلاحیت شده و از قضا انتخاب نیز شد. پس از اعلام نتایج انتخابات مشخص شد وی عضو ساواک بوده است؛ کریم سنجابی از اعضای جبهه ملی تلگرافی به بنی‌صدر زده و اعلام می‌کند؛ وی مظهر شرافت و پاکدامنی است؛ وزارت کشور وقت اطلاعیه‌ای صادر کرده و در آن تأکید می‌کند؛ «مدارک موجود حاکمیت آقای «الف-ق» کارمند و سرپرست کتابخانه دانشگاه تهران، عضو جبهه ملی و دبیر کل حزب ایران، از تاریخ اول بهمن سال ۱۳۴۳ به عنوان منبع و خبرچین برجسته در مقابل دریافت حقوق ماهانه به استخدام ساواک منحله درآمده است.» (بعدها این فرد به دلیل مشارکت در کودتای نوزده ابتدا به اعدام و سپس ۱۵ سال حبس محکوم می‌شود). متأسفانه عده‌ای که ان‌شاءالله از روی ناآگاهی است و نه خیانت- عنوان می‌کنند که نماینده مجلس پس از تأیید صلاحیت اولیه و ورود به مجلس از چنان مصونیتی برخوردار است که در صورت کشف هرگونه مدرک و سند جدید درباره عدم صلاحیت وی یا اقدامی برخلاف صلاحیت اولیه، نمی‌توان با وی برخورد کرد.

جمهوری اسلامی

جناح ورشکسته

● در طی این روزها که عزاداری سالار شهیدان حضرت امام حسین علیه‌السلام به عنوان پرچمدار آزادی و وجه انسجام دینی مردم ایران ادامه داشت، برخی از تریبون‌ها با اهداف خاص سیاسی، مسئولان اجرایی کشور را زیر سؤال برده و مطامع انتخاباتی خود را در این فرصت‌ها نیز دنبال کردند. رویکردهای غیراخلاقی و مغرضانه این افراد علیه دولت، چیزی نبود که به جرئت این روزها متوقف نشود بلکه با جسارت و شدت بیشتری ادامه یافت. عده‌ای بی‌توجه به آموزه‌های دینی، به فحاشی و تاسزواگویی علیه دولت پرداخته و همه کاستی‌ها و آسیب‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور را به دولت یازدهم نسبت دادند جالب اینکه این افراد برای لطمه‌زدن به دولت حاضرند همه تلاش‌های چند سال اخیر را نادیده گرفته و منافع ملی را فدای خواسته‌ها و مطامع جناحی خود سازند. البته هر چه ایام به پیش می‌رود، فعالیت تخریبی این جناح ورشکسته و شکست‌خورده بیشتر می‌شود و توقع رعایت انصاف از آنان، امر محالی است.

● برخی معتقدند در

چند سالی که مدیریت شهری در اختیار اصولگرایان بوده، شهرداری عملاً به نهاد بالادستی شورای شهر تبدیل شده و شوروی شهر توانسته به وظایف ذاتی خود به‌طور تمام و کمال عمل کند. این در حالی است که در شورای شهر اول - با وجود همه اختلافات و کاستی‌ها- شورای شهر از احاطه و نظارت قابل‌قبولی بر شهرداری برخوردار بود. چه اتفاقی در ۱۵ سال مدیریت اصولگرایانه در شهر تهران افتاد که جایگاه شورای شهر تا این حد تقلیل یافت؛ به‌گونه‌ای که اکنون این نهاد، در برابر شهرداری منفعل شده و حتی به سمت و سویی می‌رود که اختیارات خود را به نفع شهرداری کاهش می‌دهد؟

این یک اتفاق ناخوشایند است؛ به‌طوری‌که ما در حال حرکت به سمت بن‌بست و انسداد در مدیریت شهری هستیم. شوراها در حال تبدیل‌شدن به یک طرح بی‌خاصیت هستند و از طرفی شهرداری‌ها به خاطر اینکه مقداری استقلال مالی دارند، حتی این امکان را پیدا می‌کنند که در انتخابات شوراها مداخله کنند و شوراها یی را شکل بدهند که همسو با شهرداری است. حاصل مدیریت اصولگرایان بر شهرداری و شورای شهر تهران، پنهان‌کاری، مخفی‌کاری یا توزیع رانت است که از چشم مردم پنهان نگه داشته شده است. آنچه روی داده، باعث می‌شود، طبقات نوکیسه ایجاد شوند؛ یعنی سهم بیشتری از شهر نصیب برخی از گروه‌ها می‌شود. در این شرایط، بخش‌های وسیع‌تری از مردم نمی‌توانند از این امکان استفاده کنند. در حقیقت، وضعیتی که رخ داده و در حال رخ‌دادن است، این است که شورای شهر را به یک جمع مشورتی برای شهرداری تبدیل می‌کند تا بتواند سیاست‌های شهرداری را توجیه کند؛ برای نمونه، شهرداری هر کاری را می‌تواند انجام دهد؛ ازجمله واگذاری ابرپروژه‌هایی مثل «پروژه ایران‌زمین» به آقای بابک زنجانی؛ درحالی‌که اصلاً معلوم نیست چنین واگذاری‌هایی براساس چه مناسباتی صورت گرفته است. مگر تهران چقدر زمین و باغ دارد؟ از طرفی مالک فضای‌های عمومی که شهرداری نیست، مالک آن مردم هستند. شهرداری در این فضاها مداخله کرده، سوداگری را تقویت کرده و طبقه نوکیسه را انگیزه‌دار کرده است.

● چرا این اتفاق افتاد؟

نگاه سوداگرانه به شهر، رویکردی است که شهرداری را به کاسب و تاجر تبدیل می‌کند. این نگاهی است که اصولگرایان و نئولیبرال‌ها به آن دچار هستند. نئولیبرال‌ها اساساً معتقدند همه‌چیز را می‌شود تجاری‌سازی کرد؛ یعنی از همه‌چیز می‌شود کالا ساخت. رویکرد نگاه اصولگرایی هم این است که اساساً شهرداری می‌تواند پروژه‌ها را بدون نظر مردم اجرا کند و این یک منبع درآمد برای آنها حساب می‌شود. شهرداری تهران، هم‌اکنون به حسینه‌ها و تکیای تهران یا مداحان و دسته‌های سینه‌زنی کمک می‌کند یا برای ارعبین در عراق کمک می‌کند. اینها خوب است، ولی به شرط اینکه با اجازه مردم شهر باشد. اصولگرایان اساساً معتقد به این نیستند که نظر مردم باید در نظر گرفته شود، بلکه معتقدند الیت مؤمن، معتقد و ایدئولوژیک حق دارند به نمایندگی از تمام گروه‌های اجتماعی تصمیم بگیرند و مثلاً زندگی متدبانه‌ای را فراهم کنند. در نگاه آنها به شهر، اساساً جایی برای مشارکت عمومی وجود ندارد. درحال‌حاضر اتفاقی که افتاده، این است که درآمد شهرداری تهران، حتی از بودجه عمرانی دولت هم بالاتر است. اما شورایی که باید بر آن نظارت کند، توان نظارت بر درآمد و هزینه شهرداری را ندارد.

● بگذارید نقبی به گذشته بزنیم. شورای شهر اول، مدام با شهرداری در چالش بود. این چالش‌ها در سطحی می‌توانست خوب باشد، ولی مدام از طرف رقیب، سیاسی‌کاری جلوه داده شد. شورای شهر دوم یک‌دست و با شهردار همسو بود، ولی در شورای شهر سوم، یک اقلیت اصلاح‌طلب وجود داشت. چرا وقتی شورای شهر سوم برخی اختیارات خود را به شهرداری تفویض کرد، اقلیت اصلاح‌طلب سکوت کرد؟ چرا اقلیت اصلاح‌طلب شورای چهارم - که دست‌کم به لحاظ کمیت، قوی‌تر هستند - در برابر تخلفات، ساکت هستند؟

به نظر می‌رسد بین اعضای شورای شهر و بدنه جامعه ارتباط ارگانیک وجود ندارد. اعضای شورای شهر اول با مردم در ارتباط بودند. در دانشگاه‌ها حضور پیدا می‌کردند. در مطبوعات دیده می‌شدند و این به دلیل شرایطی بود که بعد از دوم خرداد ۷۶ به‌وجود آمده بود. نوعی از آزادی عمومی در شهر ایجاد شد که با استفاده از آن آزادی، مردم پرسشگر بودند. این پرسشگری به اعضای شورا هم منتقل می‌شد؛ بنابراین اعضای شورا هم خود را در مقام پاسخ‌گویی می‌دیدند. اعضای شورای اول، فکر می‌کردند لازم نیست به نهاد بالادستی

سیاست



مرو کارنامه ۴ شورا در گفت‌وگو با ابراهیم اصغرزاده

جعبه سیاه تهران

مرجان توحیدی

روبه‌روی جایی که نشسته‌ام، تابلوی بزرگی قرار دارد که چند کارگر را نشان می‌دهد. لباس‌هایشان گل‌آلود است. در اتاقکی هستند بعد از صرف ناهار. گاز چهارپایه‌دار کوچکی به‌مثابه وسیله گرمایشی روشن است. ابراهیم اصغرزاده، وارد اتاق می‌شود و پشت به تابلو می‌نشیند تا گفت‌وگو را آغاز کنیم. در طول گفت‌وگو بنا به سؤالاتی که طرح می‌شود، نقبی هم به شورای شهر اول می‌زند. شورایی که اگرچه منحل و به سیاسی‌کاری منتهم شد، اما دست‌کم اجازه نداد از دل شهرداری هزینه‌های فاقد سند، انحراف از بودجه و چنین واگذاری‌هایی بیرون بیاید. اصغرزاده، پیش‌تر گفته بود شورای اول اختلاف داشت، نه اخلاص! همین موضوع را به بحث گذاشتیم؛ در مدیریت اصولگرایی چه پیش آمد که شورا‌های شهر به جای نهاد بالادستی شهرداری، به حیاط‌خلوت شهرداری‌ها بدل شدند؟ اگرچه اصغرزاده بخشی از حرف‌های خود درباره شورای شهر اول را بعد از مصاحبه زد.

آنها سؤال کنند و به مردم و اصلاح‌طلبان پاسخ‌گو باشند. مردم تهران نشان دادند جهانی فکر می‌کنند؛ ولی شما می‌بینید که منتخبات آنها، در شان این مردم عمل نکرده‌اند. اینکه چرا این اتفاق می‌افتد، به نظر من خیلی پیچیده نیست. بخشی ازاین نقیصه، به مسائل اساس‌نامه‌ای برمی‌گردد. یعنی اینکه این افراد، چگونه انتخاب شدند، چگونه به اسم اصلاح‌طلبان برای آنها تبلیغ شده و چگونه به شورای شهر راه پیدا کرده‌اند. متأسفانه این نقیصه وجود دارد. بخشی را قبلاً گفتم که طبیعتاً به خاطر تضعیف جامعه مدنی رخ داده؛ اما همه ماجرا این نیست. اینکه چرا این اتفاق در میان اصلاح‌طلبان نمی‌افتد، دلایل این است که یک نوع رخوت و رکود فوق‌العاده کشنده دست‌وپای ما را بسته است. **● این فقط رخوت است؟ یا اینکه خودشان هم جزئی از این سیستم شده‌اند؟** نمی‌دانم. به نظر من اگر اینها هم جزء این سیستم معیوب شده بودند، اصولگرایان دست به افشاکاری‌های خیلی جدی‌ای می‌زدند. باید ببینیم چرا اینها ناکارآمد هستند؟ چرا تأثیرگذاری آنها کاهش پیدا کرده است؟ شاید در جواب باید گفت، باید بپذیریم انتظارات ما زیاد است! شورای شهر باید یک پارلمان محلی باشد؛ درصورتی‌که نیست. برخی شورای شهر را برای تضمین می‌خواهند؛ برای اینکه در کنار شهرداری باشد و حساب‌های شهرداری را توجیه کند. این تفکر که شورا را تزئینی می‌بیند، کارش به همین‌جا می‌کشد. شهر تهران وضعیت مناسبی ندارد و «جعبه سیاه» آن «منطقه یک» است. باید این جعبه سیاه باز روشن شود که در آن، چه کسانی صاحب چه زمین‌هایی هستند. این موضوع در همه جای دنیا معلوم است. موضوع بدی هم نیست. جمهوری اسلامی هم مالکیت را به رسمیت شناخته است. پس باید شفاف‌سازی شود. شفاف شود چه کسی از رانت استفاده کرده و توانسته است فلان ساختمان چند طبقه را بسازد. این در حالی است که بخشی از گروه‌های سیاسی، توانسته‌اند از بهترین رانت‌های شمال شهر تهران استفاده کنند و یک طبقه جدید را به‌وجود آورند. باید روشن شود، خیلی از باغ‌ها و زمین‌هایی که از رژیم گذشته باقی مانده بود و از سوی دادگاه‌های انقلاب مصادره شده است، الان از کجا سر درآورده است؟ آیا واقعاً بخش خصوصی توانایی این را دارد که چنین مجتمع‌های تجاری‌ای بسازد؟ من فکر می‌کنم اشتباه است. خب! این اتفاقات چرا رخ می‌دهد؟ به خاطر اینکه شهرداری شفاف نیست و شورای‌شهر همان‌طوری که نشان داده، قادر به شفاف‌کردن شهرداری نیست. اما من معتقدم نمایندگان مردم تهران در مجلس، فراکسیون مدنی و اعضای شورای شهر و نهادهای مدنی باید دست‌به‌دست هم داده و یک کمپین را

برای شفاف‌سازی مدیریت شهر تهران و میزبان مداخله نیروهای خاص در پروژه‌های شهرداری تشکیل دهند. اگرچه لازم نیست آنها (نیروهای خاص) را خلع ید کنیم، اگر یک نیروی خاص می‌تواند پل بسازد، مشکلی نیست. اگر یک شرکت وابسته به نورچشمی‌ها یا وابسته به خویشانوندان می‌توانند کار فنی و پروژه‌ای انجام دهند، مشکلی نیست. اما اگر یک گروه بخواهند از چنین امتیازی استفاده کنند، یعنی به دلیل پشتوانه خاص، قادر باشند در حوزه شهر مداخله کرده و از یکب اقتصاد شهری، بخشی را از آن خود کنند، باید شفاف شود.

من موافقم این رقابت باید انجام شود. انحراف از آنجا پیدا می‌شود که اینها پنهان‌سازی می‌شود. باند بازاری، خویشاوندسازی و مدیریت‌پوری باعث می‌شود مقدرات شهر در دست عده‌ای قرار گیرد و این عده طبیعی است به ثروت‌های نجومی دست پیدا می‌کنند و جالب این است که بخشی از اینها این ثروت را دوباره به اقتصاد کشور برنمی‌گردانند. اگر بازمی‌گشت، تهران باید رونق می‌گرفت، در حالی که تهران در حال تبدیل‌شدن به یک شهر ورشکسته است و اقتصاد آن در رکود است. یعنی اگر قرار است نرخ رشد ملی منفی هفت‌درصد باشد و مردم فقیرتر شوند، ظاهراً باید سفره صاحبان املاک شمال تهران هم کوچک‌تر شود، ولی برعکس است. سفره آنها بزرگ‌تر می‌شود. اصولگرایان باید قبول کنند سیاست‌های آنها شکست خورده و به بن‌بست رسیده و قابل ادامه نیست. افرادی مثل آقای حافظی دلسوزانه می‌خواهند حرفی بزنند که این مورد قبول اصولگرایان نیست. باین‌حال، معتقدم همین استثنائهایی که در اصولگرها اتفاق می‌افتد مثل آقای توکلی یا آقای مطهری و همین آقای حافظی، اینها افراد دلسوزی هستند که دلشان برای شهر می‌سوزد و باید قدر اینها را دانست.

● در مقطع شورای شهر اول، تهران مدیریت چند شهردار حتی به صورت سرپرست را تجربه کرد. در آن سال‌ها آیا از این‌دست مسائل اتفاق افتاد و شما جولو آن را گرفتید یا نه، مانند اتفاق نینقاد؟

زمانی که شورای اول شهر تهران تشکیل شد، شهرداری دچار یک دگردیسی شده بود. یعنی از یک نهاد شبهه‌دولتی به یک نهاد مستقل تبدیل شده بود. به دلیل اینکه شهرداری تهران یک چاه نفتی را به نام تراکم کشف کرده بود و می‌گفت می‌توانم از طریق ساخت‌وساز و فروش تراکم به یک درآمد برای اداره شهر دست پیدا کنم. دولت‌های بعد از جنگ هم به دلیل اینکه قیمت نفت کاهش پیدا کرده بود و بودجه نداشتند، علاقه داشتند شهرداری‌ها خودکفا شوند، یعنی از عوارض و منابع مردمی کسب درآمد کنند، اما یافت و ساختار شهرداری میراث گذشته بود. فساد در آن وجود داشت، شهرداری‌ها دوست داشتند رانتی ایجاد کنند و خود را شریک آن قرار دهند. اما شورای اول اقتدار داشت. چراکه همه آنها ژنرال‌های اصلاح‌طلب بودند و فکر می‌کردند تشکیل شوراها به دلیل یک مطالبه ملی صورت گرفته است. آنها یک نوع آگاهی تاریخی داشتند. این آگاهی تاریخی آنها را در موقعیتی قرار می‌داد که اگر جایی فساد دیدند، با آن مبارزه کنند. مدلی که برای شورا در ذهن خود داشتیم، یک دولت محلی بود که یک پارلمان و یک دستگاه اجرایی دارد و آن دستگاه اجرایی بیشتر تابع پارلمان آن است. یعنی نظام شورای شهر را می‌توانم «پارلماناراستی» می‌دانستیم، نه نظام ریاستی. البته منتقدانی بودند که می‌گفتند شهردارمحور است. ولی اتفاقاتی که در شورای اول افتاد به نظر من، بخشی از آن به این دلیل بود که ما یک جامعه پرتحرک داشتیم، بعد از دوم خرداد ۷۶ میزان مشارکت عمومی افزایش پیدا کرد و نهادهای مدنی مسئولانه برخورد می‌کردند و پرسشگر بودند. بنابراین ما هم نمی‌توانستیم ساکت باشیم و چشم روی فساد شهرداری ببندیم

خود و هم بالاتر از خودشان تأثیر داشته باشند. این افتاد به نظر من، بخشی از آن به این دلیل بود که ما یک جامعه پرتحرک داشتیم، بعد از دوم خرداد ۷۶ میزان مشارکت عمومی افزایش پیدا کرد و نهادهای مدنی مسئولانه برخورد می‌کردند و پرسشگر بودند. بنابراین ما هم نمی‌توانستیم ساکت باشیم و چشم روی فساد شهرداری ببندیم

● آیا به صورت مصادقی برای جلوگیری از فساد در شورای شهر اول کاری انجام شد؟ بله، اینها صورت جلسات اینها موجود است. در شورای اول ما به این نتیجه رسیدیم باید سازمان شهرداری را پاسخ‌گو کنیم، بودجه شهرداری باید کاملاً واقع‌بینانه باشد یعنی حساب‌سازی نشود.

ادامه در صفحه ۷

۹ سال پیش در چنین روزی

کیم یون

- احمدی‌نژاد: ایران قدرت بزرگ جهانی است
- سخنگوی وزارت خارجه: لاریجانی به همراه جلیلی به رم می‌رود
- با حکم محمود احمدی‌نژاد، سعید جلیلی به‌عنوان دبیر شورای‌عالی امنیت ملی منصوب شد
- مدیرعامل شرکت ملی صادرات گاز: قرارداد خط لوله صلح برای امضای نهایی آماده شد
- موافقت رئیس‌جمهور با تشکیل صندوق سرمایه‌گذاری پارس
- انتصاب مهدی مصطفوی به ریاست سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
- هوشیار زیاری: ایران به حمله آمریکا پاسخی بسیار شدید خواهد داد
- رئیس کل بانک مرکزی در واشنگتن: ایران، فروش نفت با دلار را متوقف کرده است

اعتد

- احمدی‌نژاد: از منتقدان خود تقدیر می‌کنم
- انتقاد جواد لاریجانی از فنون دیپلماسی دولت نهم: می‌توانستیم مانع صدور قطعه‌نامه شویم
- سخنگوی وزارت خارجه به کناره‌گیری دبیر شورای‌عالی امنیت ملی واکنش نشان داد: اروپا از استعفا علی لاریجانی سوءبرداشت نکند
- توصیه حدادعادل به رئیس‌جمهور: دولت برای مبارزه با گرانی و تورم تدابیر مناسب‌تری را اتخاذ کند
- وزیر اقتصاد: دولتی‌ها در مصرف بنزین صرفه‌جویی کنند
- سرپرست وزارت نفت: ۹۲ شرکت نفتی براساس ابلاغیه اصل ۴۴ قانون اساسی به مردم واگذار می‌شود

ایران

- صدر گاز ایران به پاکستان نهایی شد، مقصد بعدی چین و هند
- عزت‌الله ضرغامی پس از دیدار با نمایندگان ستاد ائتلاف اصلاح‌طلبان: صداسیمما موظف به انعکاس سلیق مختلف است
- منوچهر متکی در دیدار خداحافظی سفیر تایلند: مردم ایران اهل صلح و گفت‌وگو هستند
- آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی: اجلاس خزر دستاورد بزرگی برای نظام به همراه داشت
- سخنگوی وزارت خارجه: جلیلی و لاریجانی با سولانا مذاکره می‌کنند
- با تصویب یک فوریت در مجلس صورت گرفت: انتقال آرای صندوق‌های انتخاباتی پیش از شمارش ممنوع می‌شود
- وعیدی و هاینونز هفته آینده در تهران مذاکره می‌کنند

آفتاب

- احمدی‌نژاد: دولت و مجلس به‌دنبال مشغول‌کردن مردم نیستند
- (رئیس دولت اصلاحات): با ارائه آمار واقعیت تورم از بین نمی‌رود
- منوچهر متکی: هرگز در حمله به آمریکا پیش قدم نخواهیم شد
- سخنگوی وزارت خارجه: در قراردادهای سابق خزر سهم ۵۰ درصدی ایران صراحت ندارد
- عضو کمیسیون برنامه و بودجه: مدیران دولتی، اصلی‌ترین مشکل‌آفرینان صادرات هستند
- حدادعادل: چه دلیلی وجود دارد که دولت ناموفق بوده است؟
- داستان کل کشور: قاچاق مواد مخدر، مهم‌ترین جرم حاد در کشور است

جمهوری اسلامی

- اعتراف بزرگ وزارت کار: وام‌گیرندگان خوداشتغالی به بیکاران دهکرا تبدیل شده‌اند
- وزیر رفاه: تعداد افراد زیر خط فقر شدید تا پایان سال به صفر می‌رسد
- احمدی‌نژاد پس از جلسه مشترک با مجلس: تعامل مجلس و دولت باید سازنده و مثبت باشد
- سخنگوی وزارت خارجه: سیاست‌ها و اهداف هسته‌ای ایران تغییرناپذیر است
- وزیر کشور: انتقاد مردم به ما انتقاد تلخ و کزنده نیست
- دادستان کل کشور: اداره کشور توسط یک جناح منطقی نیست

اطلاعات

- احمدی‌نژاد: صهیونیست‌ها در قالب کنفرانس پاییزی دام گذاشته‌اند
- وزیر خارجه: ایران مدافع جهانی عاری از سلاح‌های کشتار جمعی است
- آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی: مجلس خبرگان رهبری نقطه اتصال مردم با مرکزیت نظام است
- (رئیس دولت اصلاحات): سیاسی‌شدن مسائل سبب فاصله‌گرفتن از علم می‌شود
- مرعشی، قائم‌مقام ستاد ائتلاف اصلاح‌طلبان: رسانه ملی عادلانه رفتار کند
- ترکیه در آستانه حمله به شمال عراق